

بررسی بسامد و نوع مکان در روایتهای عامیانه آذربایجانی بر اساس رویکرد نشانه معناشناسی مکتب پاریس

شهلا یعقوبی^{۱*}، علی کریمی فیروزجایی^۱، حمیدرضا شعیری^۲، محمدرضا احمدخانی^۱

۱- گروه زبانشناسی و زبانهای خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

شهریور ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۸۸، صص ۲۹۳-۲۷۵

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.16.6997

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی
(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: روایت در قالب مکان رخ میدهد و روایت و مکان دو مفهوم درهم‌تنیده هستند. از آنجا که مکان باعث شفاف‌سازی معنایی حضور عوامل گفتمانی، تفسیر بهتر و روشن از فضای روایی، درک واضحتر و عمیقتر از رفتار و کنش عناصر روایی و در نهایت استعلای معنا در روایت میشود، دارای کارکردی گفتمانی است و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

روش مطالعه: مقاله حاضر میکوشد با رویکرد نشانه-معناشناسی مکتب پاریس و با استفاده از روش استقرایی، به مسئله اصلی این پژوهش که بررسی نوع، میزان و بسامد حضور مکان در گفتمان روایی روایتهای عامیانه آذربایجان است، بپردازد. روایتهای منتخب این مقاله شامل روایتهای ماهی‌سیاه کوچولو، کچل‌م‌سیاه، کوراوغلو، روایت یک هلو هزار هلو و پسرک لبوفروش میباشد.

یافته‌ها: اکثر مکانها در روایتهای عامیانه آذربایجانی دارای ویژگی مکان‌بودگی پیوستاری، عینی و مستقیم بودن هستند. از میان مکانهای سه‌گانه، «مبدأ» کمترین بسامد را دارد و بطور تقریباً برابر از «مکان ثابت» و «مقصد» استفاده شده است؛ بطوری‌که تفاوت معناداری بین آنها نیست. **نتیجه‌گیری:** رویکرد غالب در این روایتهای استفاده حداکثری از مکان عینی نسبت به مکان انتزاعی است. همچنین مکانهای پیوستاری بالاترین درصد حضور را در این مجموعه دارند؛ این در حالی است که مکانهای استعاری تنها هفت درصد کل را در بر میگیرند که نشانگر کاربرد صریح و غیراستعاری در متن روایی و دور بودن آن از ادبیات در روایتهای مورد بررسی است. ۱۵ درصد مکانهای به‌کاررفته در این روایتهای از نوع استعلایی است که نشان میدهد مکان در اندیشه و تفکر کنشگر جاری بوده است. سایر مکانهای به‌کاررفته مثل مکانهای مارپیچی یا شبکه‌ای آمار بشدت محدودی دارند. باید خاطر نشان کرد که تا کنون چنین بررسی جامع و گسترده‌ای با چنین پیکره مبسوط و مفصلی از مکان نه تنها در روایتهای عامیانه آذربایجانی انجام نشده بود، بلکه در سایر ادبیات موجود هم انجام نشده است و این یکی از نقاط متمایز کار حاضر با سایر پژوهشهاست.

تاریخ دریافت: ۳۰ مرداد ۱۴۰۱

تاریخ داوری: ۰۱ مهر ۱۴۰۱

تاریخ اصلاح: ۱۷ مهر ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۰۱ آذر ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

نشانه-معناشناسی، مکان، گفتمان روایی، روایتهای عامیانه آذربایجانی.

* نویسنده مسئول:

dryaghoobi@pnu.ac.ir

۸۸۹۴۵۸۹۵ (۰۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The study of frequency and type of place in Azerbaijani folk narratives based on the semiotic approach of the Paris school

Sh. Yaghoobi^{1*}, A. Karimi¹, H.R. Shairi², M.R. Ahmadkhani¹

1- Department of Linguistics and Foreign Languages, Payam Noor University, Tehran, Iran.

2- Department of French Language and Literature, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 21 August 2022

Reviewed: 23 September 2022

Revised: 09 October 2022

Accepted: 22 November 2022

KEYWORDS

Semiotic, place, narrative discourse, Azerbaijani folk narratives

*Corresponding Author

✉ dryaghoobi@pnu.ac.ir

☎ (+98 21) 88945895

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Narration mostly occurs in the form of place, so narrative and place are two integrated concepts. Place has an important discourse function because it causes semantic clarity of discourse factors, better and clearer interpretation of the narrative space, deeper understanding of the behavior and action of narrative elements, and finally the transcendence of meaning in the narrative.

METHODOLOGY: The present article tries to use an inductive method to study the type, extent and frequency of different places in the narrative discourse of Azerbaijani folk narratives, based on the semiotic approach of the Paris school. The selected narrations are Mahi Siyaha Koochooloo, Kachal Mam Siyah, Koroghloo, Pesarake Labuforush, and Yek holoo Hezar holoo.

FINDINGS: Findings indicate that most places in Azerbaijani folklore have features of continuous placeless, objectivity and directness. Among the triple places, the “source” has the lowest frequency and the “destination” and “fixed place” are almost equal and there is no significant difference between them.

CONCLUSION: The predominant approach in these narratives is maximal use of concrete place compared to abstract place. Continuous places also have the highest percentage of presence. However, metaphorical places have only 7% of the total, which indicates the explicit and non-metaphorical use of the narrative text and its distance from the literature. 15% of the places used in these narrations are of the transcendental type, which shows the place in the thought of the actors. Other used places, such as “spiral” or “network” locations, are very limited. It should be noted that so far such a comprehensive study of place has not been done not only in Azerbaijani folklore, but also in other existing literature, and this is one of the distinguishing points of the present work from other studies.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.6997](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.6997)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 14	 10	 0

مقدمه

میتوان روایت را زنجیره‌ای از وقایع و رویدادها نامید که از طریق یک مضمون ثابت، بصورت یک کل زبان‌شناسی و به منزله هنر کلامی راوی و بازنمود توانش زبانی فرد تشکل مییابند و ضمن روایی شناختی از تغییرات به حدوث معنا مینجامند (صاحبی، ۱۳۹۷). در واقع روایت بازگویی کلامی، تصویری، نوشتاری و... از یک یا چند رخداد مرتبط است که در زنجیره زمانی و مکانی خاص اتفاق میفتند. یکی از انواع مهم روایت روایت‌های عامیانه (فولکلوریک) است که در بین توده مردم محبوبیت و رواج دارند و بازتابی از زندگی واقعی مردمی عادی از بطن جامعه هستند. در میان انواع مختلف ادبیات عامیانه افسانه‌های آذربایجانی جزو افسانه‌های کهن، زیبا و پرمحتوایی است که تصاویر روشنی از جهان‌بینی، طرز تفکر، خصوصیات ملی، آداب و رسوم و معیشت مردم آذربایجان ایران در اعصار مختلف تاریخ ارائه میدهد (نقابی، ۱۳۹۷). با واکاوی نظامهای روایی موجود در لایه‌های زیرین این روایتها، چنان آموزه‌های ارزشمند فرهنگی و اجتماعی عاید میگردد که منجر به استعلائی انسان و عدم تکرار خطاهایی میشود که گذشتگان مرتکب شده‌اند. در اصل روایتها سینه به سینه منتقل شده‌اند تا ارزشهای انسانی و ضدارزشها از طریق فرایندهای معناسازی موجود در لایه‌های زیرین داستان، برای انسانهای آتی تعریف و تفهیم شوند و سنتهای حاکم بر جامعه آن روز شفاف گردد. از این رو تجزیه و تحلیل نظام گفتمانی این روایتها ضروری به نظر میرسد. سوآلی که این پژوهش براساس الگوی نشانه-معناشناسی مکتب پاریس، بدنبال پاسخ به آن است، چگونگی حضور مکان، نوع، بسامد و میزان موفقیت این بُعد روایی در شفافسازی، استعلا و استحاله معنا در پنج روایت عامیانه آذربایجانی است؛ چراکه نوع و چگونگی حضور مکان میتواند تغییر در نظام معنایی ایجاد کند، لذا پرداختن به آن برای فهمیدن کارکردهای گفتمانی و نقش آن در تولید معنا مهم است.

در واقع هدف از انجام این تحقیق بررسی ویژگیهای حضور مکان در روایت‌های عامیانه آذربایجانی از دیدگاه نشانه-معناشناسی گفتمانی است. بُعد مکان در محتوای نظام روایی از موضوعاتی است که هرچند پژوهشهایی در مورد آن انجام شده، تا کنون پژوهشی چنین جامع، گسترده و مختص پیرامون این شاخص در روایت‌های عامیانه آذربایجانی و نیز سایر ادبیات موجود انجام نشده است؛ لذا از این منظر میتوان انجام این امر را بعنوان جنبه نوآوری و متمایز این پژوهش از پژوهشهای دیگر در نظر گرفت. برای انجام این پژوهش از روش استقرایی بهره گرفته شده است.

ضرورت و سابقه پژوهش

روایت‌شناسی^۱ بعنوان حوزه جدید مطالعات نشانه‌معناشناسی در سال ۱۹۶۶ مطرح شد و از آن زمان به جنبه‌های متفاوتی از روایت توجه شده است تا به روایت‌شناسی معاصر رسیده است که در آن علاوه بر توجه به ساختار روایت در درون متن، به ساختار نظام روایی در درون بافتی فراتر یعنی گفتمان هم توجه ویژه میشود. با بررسی پژوهشهای انجام‌یافته در مورد روایت‌های عامیانه آذربایجانی، مشخص شد که در زبان فارسی پژوهشهای بسیار کمی در مورد تحلیل نظام روایی گفتمانی این روایتها صورت گرفته است. از میان روایت‌های مورد مطالعه در این پژوهش *روایت کوراوغلو* با وجود اینکه به زبان ترکی است، مورد توجه بسیاری از پژوهشگران بوده است. احمدی ملکی (۱۳۷۶) ضمن ارائه خلاصه‌ای از روایت، به تحلیل مقولات متفاوت اسطوره‌ای، حماسی و افسانه‌ای در داستان کوراوغلو میپردازد.

^۱ Narratology

فخری (۱۳۹۵) «حماسه کوراوغلو» و جایگاه آن را در سه قوم و ملت مختلف آذربایجان، ترکمن و ترکیه مورد بررسی قرار داده است و با روش اسنادی شباهت‌ها و تفاوت‌های روایی این حماسه را در این سه فرهنگ بیان کرده است. رسمی و رسمی (۱۳۹۵) به «بررسی تطبیقی نقش اسطوره‌ای آب در داستان کوراوغلو با شاهنامه فردوسی» و روایت‌های شفاهی آن پرداخته‌اند.

پژوهش‌های صورت‌گرفته در بحث مکان در روایت‌ها انگشت‌شمار هستند. در این راستا میتوان به پژوهش علی‌الحسابی و همکاران (۱۳۹۶) اشاره کرد. آنها بدنبال پاسخگویی به بحران گسست معنا در چهارچوب مفهومی معنای مکان و شاخص‌های تداوم آن بوده‌اند تا بتوانند راهنمایی در اولویت‌های معنای مکان و جریان پیوسته آن بیابند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که در تداوم معنای مکان، ثبات روابط بین اجزا و مؤلفه‌های مکان از اهمیت بیشتری نسبت به ثبات اجزای مکان برخوردارند. همچنین بر اساس تجربیات زیسته در روابط بین اجزای مکان نیز رابطه دو جزء انسان و فضا واجد بیشترین اشاره‌های معنایی و ماندگاری ذهنی است.

در همین سال رضایی و همکاران (۱۳۹۶) به تحلیل نشانه-معناشناسی استعلای مکان در داستان کوتاه «بزرگ بانوی روح من» پرداختند. به اعتقاد آنها مکان بطور مستقیم یا غیرمستقیم در شکلگیری گفتمان و معنا نقش دارد. آنها به بسط مفهوم مکان عینی و انتزاعی و کارکرد هر کدام پرداخته و ذکر کرده‌اند هرچه جنبه عینی و فیزیکی مکان تقویت شود، بعد شناختی آن اوج میگیرد و برعکس هرچه از جنبه عینی مکان کاسته شود، وجه استعاری آن تقویت میشود.

خزل و همکاران (۱۴۰۰) در اثر دیگری از به بررسی نشانه-معناشناسی مکان در داستان زادن زال پرداخته‌اند و معتقدند مطالعه کارکردهای مکانی، حاوی اطلاعات و معانی است که موضوع نشانه‌شناسی است. براساس نتایج مقاله، بیشتر رویدادهای این داستان در کوه البرز که مکانی اساطیری است صورت میگیرد و مکانهای دیگر بیشتر به فضاشدگی تمایل دارند و از مکان‌بودگی خود دور میشوند و جنبه تخیلی آنها نیرومندتر میگردد و نشانگی جدیدی را میبپذیرند که ریشه در تجربیات ذهنی، همچون اسطوره‌ها، تاریخ، فرهنگ و خاطرات جمعی یک ملت دارد.

روش مطالعه

در این پژوهش بعد از انتخاب موضوع، جامعه هدف که روایت‌های عامیانه آذربایجانی است به روش مطالعه کتابخانه‌ای و با جمع‌آوری کتابها و روایت‌های موجود آذربایجانی مشخص و گردآوری شدند و از روش استقرایی برای تحلیل روایتها استفاده شد. سپس از بین روایت‌های مورد بررسی، پنج روایت بصورت هدفمند بعنوان نمونه آماری-تحلیلی انتخاب شد. معیار انتخاب، داشتن بیشترین قدمت، رواج، محبوبیت و اصالت در ادبیات فولکلوریک آذربایجانی و نیز برخورداری از بیشترین مؤلفه‌های گفتمانی با توجه به رویکرد پژوهش و اهداف تحقیق بود. از نظر قلمرو زمانی، روایتها مربوط به زمانهای متفاوت میباشند و از آنجا که در ابتدا روایت‌های عامیانه بصورت شفاهی رواج پیدا کرده‌اند و سالها بعد مکتوب شده‌اند، زمان دقیق بسیاری از آنها مشخص نیست. قلمرو مکانی این روایتها در ابتدا منحصر به جامعه ترک‌زبانان بوده است، اما پس از مکتوب شدن و ترجمه به زبانهای مختلف از جمله زبان فارسی، دیگر نمیتوان قلمرو مکانی خاصی برای آنها در نظر گرفت. موضوع این پژوهش بررسی بُعد مکان در داستانهای منتخب این مقاله شامل ماهی سیاه کوچولو، روایت کچل‌ممسياه، روایت کوراوغلو، روایت یک هلو هزار هلو، و روایت پسرک لبوفروش است.

بحث و بررسی

حوزه معناشناسی از سال ۱۹۷۰ به بعد وارد مرحله نوینی از تجزیه و تحلیل نشانه‌ها شد. در این دیدگاه برخلاف رویکردهای ساختگرایانه، که تولیدات زبانی مستقل از تولیدکننده آن در نظر گرفته می‌شد، نوع حضور و موضع گفتمانی اهمیت پیدا می‌کند (شعیری، ۱۳۸۱: ۲۷). بر اساس این رویکرد با توجه به حضور زنده نشانه‌ها، باید آنها را با دیدگاه پدیدارشناسی مطالعه کرد و به حضور عاملی تجسم‌پذیر قائل بود که شرایط بروز معنا را در کنترل خود دارد (شعیری و وفایی، ۱۳۸۸: صص ۱-۴). الگوی نشانه-معناشناسی روایی، معنا را در کلیت متن و در چهارچوب فرایند همنشینی^۱ بررسی می‌کند که نشانه-معناشناسی روایی نام دارد (گرمس، ۱۳۸۹: صص ۵-۶). این الگو به روایت بعنوان یک فرایند پویا و فعال نگاه می‌کند و نظام همنشینی را نظامی میداند که در آن عوامل گفتمانی در روایت کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و روند داستان را بصورت فرایندی و پویا به جلو می‌برند؛ بنابراین معنا بشکل شفاف تولید و دریافت می‌شود (شعیری، ۱۳۹۸: ۱۱۱).

از آنجا که نظریه نشانه‌معناشناسی بسیار گسترده است، در این مقاله تنها به بررسی بُعد مکان که دارای کارکردی گفتمانی در نظام روایی است، پرداخته می‌شود تا نقش مکان در میزان و چگونگی شفاف‌سازی حضور عوامل گفتمانی و شکلگیری و تحقق معنا مشخص شود. در این راستا میتوان گفت اگر زبان برای توصیف، توضیح، فهماندن، استدلال، ارجاع دادن، استعاره‌سازی، القاء، قانع نمودن، توجیه کردن و غیره از واژه‌ها و اصطلاحات مکانی استفاده کند، مکان دارای کاربردی گفتمانی خواهد بود (شعیری، ۱۳۹۱: ۲۳۶). وقتی مکان دارای کارکردی گفتمانی می‌شود، انواع متفاوتی مثل مکان روایی، مکان شبکه‌ای یا القایی، مکان استعاری، مکان مارپیچی، مکان عینی یا انتزاعی، مکان مستقیم یا تلویحی، مکان مبدأ یا مقصد، مکانهای استعلایی-تخیلی، مکان پیوستاری و... را میتواند شامل شود:

مکانهای کنشی: مکانی است که محل تلاقی حرکتهاست. خانه، کاخ، شبستان و غیره، میتوانند مکانی کنشی باشند. مکانهای شبکه‌ای یا القایی^۲: مکانهایی که میخواهند سوژه را متقاعد کنند و در او باوری را به وجود بیاورند (لاندوفسکی^۳، ۲۰۱۰). در این مورد مکانها ارزشهایی از خود ارائه میدهد که با استفاده از رابطه تعاملی یا هم‌کنشی^۴ قابلیت متقاعدسازی دارند. معمولاً این مکانها در فاصله معینی از هم قرار دارند و برای اینکه به هم متصل شوند ابتدا باید ارتباط با مکان قبلی قطع گردد و مجدد به مکان جدید متصل شود (مانند شبکه راه‌آهن سراسری). در واقع در نظامی ناپیوستار قرار می‌گیرند (شعیری، ۱۳۹۱: صص ۲۲۲-۲۲۳).

مکانهای پیوستاری، در این نوع مکانها هیچ انفصالی وجود ندارد و همواره در اتصال با یکدیگر هستند. در نظام روایی برنامه‌مدار مکانهای پیوستاری میتوانند تبدیل به ناپیوستار شوند. این مکانها الزامی و ضروری هستند؛ زیرا سوژه برای نیل به اهداف خود مجبور به عبور از آنهاست (همان، صص ۲۲۴-۲۲۶).

مکانهای مارپیچی: زمانی است که برشی در مکان شکل می‌گیرد و یک مکان پیوستاری به مکانی خاص تغییر مییابد (لاندوفسکی، ۲۰۱۰). این مکانها خود تبدیل به یک کنشگر میشوند که کنشگر اصلی را بصورت بهت‌زده بدنبال

^۱. Companionship Process

^۲. Manipulative Places

^۳. E. Landowski

^۴. Interactive Relation

مسیر خود میکشند. این نوع مکان ایستا نیست و تکثر مکان در اطراف کنشگر وجود دارد؛ مانند زمانی که کنشگر در تعامل با مکانی است که در مسیری پر پیچ‌وخم و با فراز و نشیب بسیار وارد بازی بودن و نبودن، حاضر و غایب یا دور و نزدیک میشود (شعیری، ۱۳۹۱: صص ۲۲۷-۲۲۹).

مکانهای استعلایی-تخیلی: اگر مکانهای مارپیچی باعث جدا شدن از مکان عینی و استمرار احساس مکان در تخیل و اندیشه کنشگر شوند، مکانی استعلایافته است (تاراستی^۱، ۲۰۰۹: ۳۰۰)؛ یعنی بطور فیزیکی در جایی وجود داشته باشد اما اندیشه و تفکر در جایی دیگر سیر کند؛ مانند تصور بهشت به شکل یک باغ (شعیری، ۱۳۹۱: صص ۲۳۱-۲۳۲).

مکان روایی^۲: مکانی که به دلیل شرایط گفتمانی جدیدی که به آن افزوده میشود، ویژگی معنایی جدیدی پیدا میکند؛ مانند تبدیل شدن خرمشهر به مکانی روایی (همان، ۲۴۴).

مکان استعاری: مکانی که در معنای واقعی مکانی خود به کار نمی‌رود؛ مانند دریا در عبارت دل به دریا زدن که استعاره از نترسیدن است.

مکان مستقیم: نام مکان آشکارا در متن استفاده شده است و در مقابل مکان تلویحی قرار دارد که باید از متن استنباط کرد.

مکان عینی: مکانی که در عالم واقعیت وجود دارد که در مقابل مکان انتزاعی قرار می‌گیرد. هر مکان میتواند ترکیبی از عوامل بالا نیز باشد. در بخش بعدی یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل روایتها به تفکیک ذکر میشوند.

روایت ماهی سیاه کوچولو: کنشگر اصلی در این داستان ماهی سیاه کوچولویی است که دچار بحران و نقصان روانی و عاطفی شده است؛ چراکه ماهی سیاه کوچولو در آن ساختار نمادینی که برایش تعریف شده، زندگی در محیط بسته، کوچک و محدود جویبار، نمی‌گذرد و دچار کسالت، رخوت، افسردگی و بی‌نشاطی میشود و برای تغییر این شرایط تثبیت‌شده و ایجابی به شرایط پویا، وارد فرایند کنشی چالشی میشود و جویبار را به قصد دریا ترک میکند. در ابتدا روایت ماهی سیاه کوچولو با توصیف مکان و فضا آغاز میگردد. در واقع در این روایت مکان نقش محوری دارد. مکانی که کنشگر در آن زندگی میکند و مبدأ حرکتش است مکان محدود و بسته جویبار است؛ یعنی مبدأ حرکت کنشگر جویبار است و مقصدی که کنشگر برای رسیدن به آن تصمیم گرفته و وارد فرایند کنشی شده، دریاست که یک فضای باز است. در این روایت کنشگر شخصیتی بسیار محکم و مصر دارد؛ بنابراین برای تحقق هدفش که ترک جویبار و رسیدن به دریاست مقاومت و ممارست میکند و به هیچ عنوان از ادامه مسیر و رسیدن به شیء ارزشی که همانا رهایی از شرایط ایجابی، آگاهی، شناخت دنیا و آزادی است منصرف نمیشود. او در طول مسیر خود از مکانهای متفاوتی عبور میکند و در هر مرحله از سفر، مکان بار معنایی جدیدی به محتوای روایی گفتمان اضافه میکند و باعث تفسیر شفافتر گفتمان میشود. به دلیل محدود بودن فضای مقاله، در قسمت ذیل به ذکر تعدادی از مکانها در این روایت اشاره میشود.

مکان	نوع مکان	مورد
ته دریا	مقصد، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر ماهی پیر	ته دریا ماهی پیر قصه میگفت

۱. E. Tarasti

۲. Space narrative

جوینار	مقصد، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر ماهی سیاه کوچولو	که با مادرش در جویناری زندگی میکرد
دیواره‌های سنگی	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر جوینار	از دیواره‌های سنگی کوه بیرون میزد
ته دره	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر جوینار	در ته دره روان میشد
خانه	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم، حاضر در محل ماهی کوچولو	خانه ماهی کوچولو و مادرش پشت سنگ سیاهی بود
پشت سنگ سیاه	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم، حاضر در محل خانه	خانه ماهی کوچولو و مادرش پشت سنگ سیاهی بود
زیر خزه‌ها	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم، حاضر در محل ماهی و مادرش	دوتایی زیر خزه‌ها میخوابیدند
خانه	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر ماهی کوچولو	مهتاب را توی خانه‌شان ببیند
یک تکه جا	مبدأ، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر ماهی کوچولو و مادرش	تندتند توی یک تکه جا، میرفتند و برمیگشتند
این طرف	مبدأ، پیوستاری، انتزاعی، مستقیم، کنشگر ماهی کوچولو	از این طرف به آن طرف میرفت و برمیگشت
آن طرف	مقصد، پیوستاری، انتزاعی، مستقیم، کنشگر ماهی کوچولو	از این طرف به آن طرف میرفت و برمیگشت
داخل جوینار	مقصد، استعلایی، انتزاعی، تلویحی، کنشگر مادر و ماهی کوچولو	بهتر نیست برویم گردش
داخل جوینار	مقصد، پیوستاری، انتزاعی، تلویحی، کنشگر ماهی کوچولو	من دیگر نمیتوانم گردش بروم
جوینار	مبدأ، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر ماهی کوچولو	باید از اینجا بروم
خارج از جوینار	مقصد، پیوستاری، عینی، تلویحی، کنشگر ماهی کوچولو	حتماً باید بروی؟
آخر جوینار	مکان ثابت، استعلایی، عینی، مستقیم، کنشگر ماهی کوچولو	که آخر جوینار کجاست!
آخر جوینار	مکان ثابت، استعلایی، عینی، مستقیم، کنشگر ماهی کوچولو	خودم بروم آخر جوینار را پیدا کنم!
جاهای دیگر	مکان ثابت، استعلایی، عینی، مستقیم، کنشگر ماهی کوچولو	میخواهم بدانم جاهای دیگر چه خبرهایی هست
آبشار	مبدأ، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر ماهی کوچولو	ماهی کوچولو از آبشار پایین آمد

دور برکه گشت زدن	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر ماهی کوچولو	برکه
هزارها کفچه ماهی توی آب وول میخوردند	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر کفچه ماهیها	آب
خوشگلتر و داناتر و دارای اصل و نسبت در دنیا پیدا نمیشود	مکان ثابت، استعلایی، انتزاعی، مستقیم، کنشگر کفچه ماهیها	دنیا

روایت کچل‌مم سیاه: کنشگر اصلی این روایت پسر بچه کوچکی است که برای امرار معاش خانواده و رهایی از بحران و نقصان فقر، وارد فرایند کنشی چالشی میشود. او این کار را با استفاده از تفنگ به ارث مانده از پدرش که تنها داراییش است، شروع میکند. در قسمت اول روایت، مادر برای اینکه بتواند کچل‌مم سیاه را مجبور به کار کردن بکند، هم بعنوان کنشگر و هم بعنوان کنشگزار وارد فرایند کنشی گفتمانی میشود تا فرایند معناسازی محقق گردد. در واقع شروع روایت از خانه بعنوان مکان مبدأ است. همان‌گونه که قبلاً هم ذکر شد در نشانه-معناسناسی گفتمان چندین نوع مکان وجود دارد. مکانهای شبکه‌ای یا القایی، مکانهای پیوستاری، مکانهای مارپیچی، مکانهای استعلایی-تخیلی و مکان روایی. همچنین بر اساس مقاله رضایی و همکاران (۱۳۹۵) از منظری دیگر با دو مکان عینی و انتزاعی مواجه هستیم. بدین ترتیب مکانی که کنشگر در آن حضور فیزیکی دارد، عینی محسوب میشود و مکانی که در تصور، خواب یا امثال این متصور میشود، مکان انتزاعی محسوب میگردد. در شروع این روایت کچل برای تغییر در وضع زندگیشان تغییر مکان میدهد و از خانه خارج میشود. همچنین او در ادامه داستان برحسب کنشی که انجام میدهد، چندین بار مکان خود را تغییر میدهد. بر اساس نظر شعیری (۱۳۸۱، ص ۸۱)، کنشگر از تغییر مکان خود قصدی دارد که دارای یک مبدأ و یک مقصد است. در اولین حرکت کچل، مبدأ خانه است و مقصد بیرون از خانه است. در واقع کنش در مکان خارجی یا مکان کنشی انجام میشود. اشاره به مکان به دو شکل مستقیم و تلویحی امکان‌پذیر است. در اشاره مستقیم، اسم مکان مورد نظر آورده میشود، اما در اشاره تلویحی، اسم مکان از سایر بخشهای گفتمان استنباط میشود. بعنوان نمونه در ابتدای داستان گفته میشود: «کچل‌مم سیاه تفنگ را برداشت و در سیاهی شب به قصد شکار رفت بیرون». در اینجا هیچ اسمی از خانه برده نشده است؛ اما در چند جمله بالاتر مادر با اشاره به دیوار خانه میگوید: «... همین تفنگی که به دیوار آویخته شده ...» و همچنین در داستان ذکر میشود که کچل پس از شکار «راه افتاد طرف خانه». بدین ترتیب مشخص میشود مکانی که کچل از آنجا بیرون آمده است، خانه است؛ اما در ادامه با اشاره مستقیم به نام مکان گفته میشود: «به خانه که رسید در زد». حدود ۱۵۴ نوع مکان در این روایت مشخص گردید ولی با توجه به محدودیت فضا، در مقاله فقط به ذکر تعدادی بعنوان نمونه بسنده میشود.

نمونه‌هایی از انواع مکان به‌کاررفته در روایت کچل‌مم سیاه

مکان	نوع مکان	مورد
خانه کچل	مبدأ، پیوستاری، عینی، تلویحی، کنشگر کچل	در سیاهی شب به قصد شکار رفت بیرون
بیرون خانه	مقصد، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر کچل	در سیاهی شب به قصد شکار رفت بیرون

خانه کچل	مقصد، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر کچل	راه افتاد طرف خانه. به خانه که رسید در زد.
قصر پادشاه	مقصد، پیوستاری، عینی، تلویحی، کنشگر پیرزن همسایه	پیرزنی کچل مہ‌سیاه و شکارش را دیده بود و خبر برده بود برای پادشاه
راه	مقصد، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر کچل	پا گذاشت به راه.
کنار دریا	مکان ثابت، استعلایی، عینی، مستقیم، متصور مادر کچل	در کنار دریا با آهک و پنبه حوض بزرگی درست کن
طویله	مقصد، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر کچل	چهل مادیان را آورد ول کرد تو طویله پادشاه.
محل زندگی اژدها	مقصد، استعلایی، عینی، تلویحی، متصور باباکلاه	به پادشاه بگو کچل را بفرستد برای کشتن اژدها
تپه	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر کچل	از تپه‌ها سرازیر شد
خانه وزیر	مقصد، پیوستاری، عینی، تلویحی، کنشگر وزیر	وزیر سر شب رفت باباکلاهدش را آورد گذاشت جلوش
محل زندگی چهل مادیان	مقصد، استعلایی، انتزاعی، تلویحی، متصور بابا کلاه	و بگو کچل مہ‌سیاه را بفرستد برایش شیر چهل مادیان بیاورد.
پشت مادیان	مقصد، استعلایی، عینی، مستقیم، متصور مادر کچل	بنشین بر پشت مادیان بزرگ
بالای کوه	مقصد، مارپیچی، عینی، مستقیم، کنشگر کچل	به بالای کوه که رسید دید
تپه	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر کچل	از تپه‌ها سرازیر شد
دره	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر کچل	از دره‌ها گذشت
حوض شراب	مقصد، استعلایی، عینی، مستقیم، متصور مادر کچل	چهل مادیان سر حوض شراب میرسند
شهر	مقصد، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر کچل به همراه مادیانها	به شهر رسیدند.
مرغزار	مقصد، استعلایی، عینی، مستقیم، متصور مادر کچل	همه میروند در مرغزار نزدیک دریا مشغول چرا میشوند

آسمان	مکان ثابت، مارپیچی، عینی، مستقیم، متصور مادر کچل	میبینی آسمان سیاه میشود
دریا	مقصد، استعلایی، عینی، مستقیم، متصور مادر کچل	برو تا برسی به دریا

روایت کوراوغلو: در این داستان کنشگزار اصلی «حسن‌خان» است که در جایگاه و مرتبه بالاتر از کنشگر قرار دارد. کنشگر روایت، مهتری است به نام علی‌کیشی که در خدمت حسن‌خان سالهاست کار میکند. روزی حسن‌پاشا، پادشاه توقات، مهمان حسن‌خان میشود و از او دو کره اسب بعنوان هدیه می‌خواهد. حسن‌خان به مهترش امر میکند که گله را به چرا نبرد، تا حسن‌پاشا بتواند اسبهای دلخواهش را انتخاب کند؛ ولی او با شناخت کاملی که از اسبها دارد لزومی به این کار نمیبیند و گله را به چرا میفرستد و خودش دو کره اسب به ظاهر لاغر و کوچک ولی از نژاد دریایی را برای حسن‌پاشا می‌آورد. حسن‌پاشا با دیدن ظاهر کره اسبها آنها را نمیپسندد و عصبانی میشود و حسن‌خان را تحریک به تنبیه مهترش میکند تا چشمهای علی‌کیشی را در بیاورند. از آن پس پسر علی‌کیشی، روشن، بعنوان کنشگر اصلی وارد جریان روایی-کنشی گفتمان میشود و برای انتقام خون پدر به پا میخیزد. این روایت در اصل با نقصان و بحران ظلم و بیعدالتی آغاز میشود که در آن کنشگر برای تصاحب ارزشی معنوی یعنی آزادی و عزت وارد فرایند کنشی میشود.

در این قسمت نمونه‌های از انواع مکان در این روایت ارائه شده است:

مکان	نوع مکان	مورد
آذربایجان	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم، حاضر در مکان کوراوغلو	در آذربایجان پهلوان جوانمردی بود
زندان	مقصد، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر پهلوانان آزادی‌خواه	پهلوانان آزادی‌خواه را به زندان مینداخت
قصر	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، تلویحی، کنشگر حسن‌خان و خانها	در قصرهایشان مجلس عیش برپا میکردند
جاهای خوش‌آب	مکان ثابت، شبکه‌ای، عینی، مستقیم، کنشگر حسن‌خان و خانهای دیگر	در جاهای خوش‌آب و هوا قصرهای زیبا و مجلل میساختند
قصر حسن‌خان	مقصد، پیوستاری، عینی، تلویحی، کنشگر حسن‌پاشا	حسن‌پاشا به دیدن او می‌آید
بیرون قصر حسن‌خان	مقصد، پیوستاری، عینی، تلویحی، کنشگر خدمه حسن‌خان	به پیشواز پاشا بروند
خانه حسن‌خان	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر حسن‌پاشا	حسن‌پاشا چند روزی در خانه حسن‌خان ماند

خانه حسن خان	مبدأ، پیوستاری، عینی، تلویحی، کنشگر حسن پاشا	روزی که میخواست برود
چراگاه	مقصد، استعلایی، عینی، تلویحی، کنشگر ایلخی‌بان	حسن خان به ایلخی‌بانش امر کرد ایلخی را به چرا نبرد
کنار دریا	مقصد، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر ایلخی‌بان	روزی ایلخی را به کنار دریا برده بود
گوشه‌ای	مقصد، مارپیچی، عینی، مستقیم، کنشگر ایلخی‌بان	خودش در گوشه‌ای دراز کشیده بود
دریا	مبدأ، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر دو اسب	دو اسب از دریا بیرون آمدند
بیرون دریا	مقصد، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر دو اسب	دو اسب از دریا بیرون آمدند
چراگاه	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، تلویحی، کنشگر ایلخی‌بان	ایلخی را به چرا ول داد
قصر	مبدأ، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر حسن پاشا	از قصر بیرون آمد
پایین پله‌های قصر	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، تلویحی، کنشگر دو کره‌اسب	پای قصر دو تا کره کوچک و لاغر ایستاده‌اند.
صورت	مکان استعاری، انتزاعی، مستقیم، کنشگر حسن خان	خون به صورتش دوید
چشم	مکان استعاری، انتزاعی، مستقیم، کنشگر حسن خان	دنیا جلو چشمش سیاه شد
چراگاه	مقصد، پیوستاری، عینی، تلویحی، کنشگر ایلخی‌بان	نگفته بودم اسبها را به چرا نبری!
پایین پله‌های قصر	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، تلویحی، کنشگر جلا	جلاد زودی دوید و علی را گرفت

روایت یک هلو هزار هلو: روایت یک هلو هزار هلو درباره درخت هلوییست که هر چقدر باغبان تلاش میکرد به بار بنشیند و میوه بدهد، نتیجه‌ای نداشت. این داستان با روایت شخصیت اصلی، درخت هلو، پیش میرود. در این روایت با نقصان عدالت مواجه هستیم. در واقع این داستان انعکاسی از تضاد و برخورد طبقات بالا و پایین جامعه است. در این داستان پولاد و صاحبعلی نمادی از جامعه فقیر و پایین دست هستند که میخواهند به هر نحوی شده از اربابها و ارباب‌زادگان حق خود را بگیرند. باغبان در این روایت نمادی از زور و قدرت از جامعه بالادست است که میخواهد مانع تحقق حق و سهم کودکان شود. کاشتن هسته هلو و کشیدن زحمت‌های بسیار برای بارور شدن آن نماد پایداری، تلاش و دادخواهی طبقه ضعیف جامعه است. میوه شیرین و آبدار درخت هلو میتواند بعنوان حق و

سهم جامعه پایین‌دست از عدالت باشد حتی اگر به قیمت جان‌شان تمام شود. همانطور که در این روایت نیز صاحب‌علی برای تغذیه درخت هلو با لاشه مار بعنوان کود، سرآخر جان خود را از دست می‌دهد. در واقع نظام روایی کنشی این داستان در جهت رفع نقصان عدالت و دستیابی به شیء ارزشی احقاق حق و رسیدن به جامعه ایده‌آل برابری و عدالت پیش می‌رود.

نمونه‌هایی از انواع مکان در این روایت ارائه می‌شود:

مورد	نوع مکان	مکان	
بغل ده فقیر و بی‌آبی باغ بسیار بزرگی بود.	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم	ده	۱
بغل ده فقیر و بی‌آبی باغ بسیار بزرگی بود.	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم	باغ	۲
زمینها را تکه‌تکه کرده بود	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر ارباب	زمین	۳
زمینهای ناهموار در بالای تپه‌ها و سرازیری دره‌ها که روستاییان از ارباب خریده بودند.	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم	بالای تپه‌ها	۴
ده یک همواری بزرگ در وسط دره داشت.	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم	وسط دره	۵
زمینهای ناهموار در بالای تپه‌ها و سرازیری دره‌ها که روستاییان از ارباب خریده بودند.	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم	سرازیری دره‌ها	۶
بسختی توی مشت جا می‌گرفتند!	مکان استعاری (استعاره از بزرگ بودن)، عینی، مستقیم	مشت	۷
از مملکت خودشان آورده بود.	مبدأ (نامشخص)، پیوستاری، عینی، مستقیم	مملکت	۸
همان باغ اربابی بود.	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم	باغ	۹
گل‌هایش را میریخت.	مقصد، پیوستاری، عینی، تلویحی، کنشگر درخت هلو	زمین	۱۰
توی سبدی نشسته بودیم.	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر هلو	سبد	۱۱
باغبان سر و ته سبد و کناره‌های سبد را برگ درخت مو پوشانده بود.	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، تلویحی، کنشگر باغبان	کل سبد	۱۲
پیش ارباب میرفتیم.	مقصد، پیوستاری، عینی، تلویحی، کنشگر هلو	خانه ارباب	۱۳

۱۴	خانه ارباب	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم	خانه ارباب مثل خانه صاحبعلی و پولاد نبود.
۱۵	خانه صاحبعلی	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم	خانه ارباب مثل خانه صاحبعلی و پولاد نبود.
۱۶	خیابان وسطی باغ	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر باغبان	از خیابان وسطی باغ میگذشت.
۱۷	زیر پا	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر باغبان	زیر پایش لانه موشی خراب شد.
۱۸	کنار هلو	مقصد، پیوستاری، عینی، تلویحی، کنشگر مورچه‌سوار	مورچه‌سواری دوان‌دوان از راه رسید
۱۹	بالای دیوار	مبدأ، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر دو پسر	از بالای دیوار توی باغ پریدند.
۲۰	روی هلو (روی زمین)	مبدأ، پیوستاری، عینی، تلویحی، کنشگر پولاد و صاحبعلی	از روی من پریدند.

روایت پسرک لبوفروش: این داستان روایت نابرابری اجتماعی، فاصله طبقاتی و بیعدالتی در جامعه وقت است. در این داستان کنشگر اصلی یک کودک برهنه و ژنده‌پوش روستایی، تازی‌وردی، از طبقه‌ای محروم و فقیرزده است که سرپرستی مادر مریض و خواهرش سولماز را نیز به عهده دارد. در واقع در این داستان با نقصان فقر، عدم استقلال و بیهوشی مواجه هستیم. در این راستا کنشگر برای رفع نقصان و تصاحب ابژه ارزشی، که مستقل شدن و هویت‌یابی است، وارد فرایند کنشی میشود. در اینجا کنشگزار و در عین حال ضدکنشگر، صاحب کارخانه قالبیافی، حاجی‌قلی، است که از شهر آمده تا با حقوقی بسیار کمتر از دریافتی کارگران شهری، کارگران روستایی مثل کنشگر داستان و خواهرش را استثمار کند و به اهداف سرمایه‌داری و مادی کثیف خود برسد. کنشگزار دیگر روایت، مادر مریض است که کنشگر و خواهرش را برای امرار معاش به کارخانه قالبیافی برای کارگری فرستاده است. نمونه‌هایی از مکانهای به‌کاررفته در این روایت ارائه میگردد:

مکان	نوع مکان	مورد
ده	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر معلم	در دهی معلم بودم
مدرسه	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم	مدرسه ما فقط یک اتاق بود که یک پنجره و یک در به بیرون داشت
اتاق	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم	مدرسه ما فقط یک اتاق بود که یک پنجره و یک در به بیرون داشت
بیرون از اتاق	مقصد، پیوستاری، عینی، تلویحی	مدرسه ما فقط یک اتاق بود که یک پنجره و یک در به بیرون داشت

د	مقصد، پیوستاری، عینی، تلویحی، کنشگر معلم	مرا آخرهای پاییز آنجا فرستاده بودند
صحرا	مبدأ، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر معلم	شاگردان را از صحرا و کارخانه قالیبافی و اینجا و آنجا سر کلاس بکشانم
کارخانه قالیبافی	مبدأ، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر معلم	شاگردان را از صحرا و کارخانه قالیبافی و اینجا و آنجا سر کلاس بکشانم
اینجا و آنجا	مبدأ، پیوستاری، انتزاعی، مستقیم، کنشگر معلم	شاگردان را از صحرا و کارخانه قالیبافی و اینجا و آنجا سر کلاس بکشانم
کارخانه حاجی‌قلی	مقصد، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر همهٔ بچه‌ها	میرفتند به کارخانه حاجی قلی فرش‌باف
شهر	مبدأ، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر حاجی قلی	حاجی‌قلی از شهر آمده بود
ده	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر معلم	ده روز بیشتر نبود من به ده آمده بودم
روی زمین و در ده	مقصد، پیوستاری، عینی، تلویحی، کنشگر برف	برف بارید
حیاط مدرسه	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، تلویحی، کنشگر معلم	از پنجره میدیدم
پشت در	مبدأ، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر تاری وردی	صدای نازکی پشت در بلند شد
کلاس	مقصد، پیوستاری، عینی، تلویحی، کنشگر تاری وردی	تاری‌وردی با کشک‌سابی لبوش تو آمد
زمین	مقصد، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر تاری وردی	کشک‌سابی را روی زمین گذاشت
کنار بخاری	مقصد، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر بچه‌ها	بچه‌ها او را کنار بخاری کشاندند
روی صندلی	مقصد، پیوستاری، عینی، تلویحی، کنشگر بچه‌ها	همه را سر جایشان نشاندم
شهر	مکان ثابت، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر تاری‌وردی	شهر ندیده‌ایم
آخر کلاس	مبدأ، پیوستاری، عینی، مستقیم، کنشگر نوروز	نوروز از آخر کلاس گفت

نتیجه‌گیری

دور شدن از مکان اولیه و رفتن به مکانی دیگر، تقدیر و سرنوشتی است که برای قهرمان قصه در افسانه‌های آذربایجانی نمود دارد؛ یعنی از مکان مبدأ به سوی مکان مقصد حرکت میکند. پس از خروج از مکان مبدأ و پیش از رسیدن به مقصد، میتواند در بین راه در مکانهای گوناگون منزل کند و به این ترتیب زنجیرهٔ مبدأ و مقصد ادامه یابد. گاهی بحث رفتن و رسیدن مطرح نیست و صرفاً یک مکان توصیف میشود. از میان مکانهای سه‌گانه، «مبدأ»

کمترین بسامد را دارد و «مقصد» و «مکان ثابت» تقریباً برابر هستند و تفاوت معناداری بین آنها نیست. نقابی و پورآسیاب (۱۳۹۷) معتقد هستند در افسانه‌های آذربایجانی کمتر به توصیف مکان پرداخته میشود و اسمها و مکانها بر اثر ویژگیهای فرهنگی و منطقه‌ای به وجود می‌آیند. این گفته خلاف یافته‌های این پژوهش است؛ زیرا نه تنها در تمام روایتها اشاره به مکان وجود داشت، بلکه درونمایه، تم، صحنه و توصیف مکان بسیار تکرار شده‌اند. همچنین اشاره به مکان میتواند از نوع مستقیم باشد یا بصورت تلویحی قابل استخراج از متن باشد. در بررسیهای انجام شده از پنج روایت مشخص شد در بیش از دوسوم موارد، اشاره به مکان بطور مستقیم انجام شده است. کاربرد این تعداد اشاره به مکان بصورت تلویحی، بیشتر برای جلوگیری از تکرار کلام و حشو بوده است. مکانها میتوانند از نوع عینی یا انتزاعی نیز باشند. به این ترتیب که مکانهایی که در عالم واقعیت وجود دارند در دسته اول و مکانهایی که در عالم خیال وجود دارند در دسته دوم میگنجد. در میان روایت‌های بررسی شده، روایت ماهی سیاه کوچولو سی‌وچهار مرتبه از مکان انتزاعی استفاده کرده است و روایت کوراوغلو هجده مرتبه. بعنوان مثال وقتی که در روایت ماهی سیاه کوچولو گفته میشود «بیا برویم گردش» هیچ جای مشخص و ملموسی ذکر نمیگردد بلکه تنها اشاره به مکانی نامعلوم است که با رفتن به آنجا از رخوت و کسالت دربیایند و لذت ببرند. در مجموع بیش از هشتادوپنج اشاره به مکان از نوع عینی است که نشان‌دهنده رویکرد غالب این روایتها است. آخرین بررسی مکان در میان روایت‌های مورد استفاده در این پژوهش، به نوع مکان از دیدگاه نشانه-معناشناسی گفتمان یعنی همان مکانهای پیوستاری، استعلایی، استعاری، مارپیچی و شبکه‌ای اختصاص دارد:

مکانهای پیوستاری بیشترین درصد را در این مجموعه دارند. بر اساس نظر شعیری (۱۳۹۱) مکانهای پیوستاری الزامی و ضروری هستند؛ زیرا سوژه برای نیل به اهداف خود مجبور به عبور از آنها است؛ بر همین اساس طبیعی است که در روایت‌های عامیانه آذربایجانی هم بسامد زیادی داشته باشند.

مکانهای استعاری تنها هفت درصد کل را در بر میگیرند که دور بودن از ادبیات در متن روایی را نشان میدهد. این موضوع نشان‌دهنده کلام صریح و غیراستعاری در روایت‌های مورد بررسی است. همچنین ۱۵ درصد مکانهای به کاررفته در این روایتها از نوع استعلایی است که نشان میدهد مکان در اندیشه و تفکر کنشگر جاری بوده است. سایر مکانهای به کاررفته هم آمار بشدت محدودی دارند.

تنوع و بسامد انواع مکانهای به کاررفته در روایت ماهی سیاه کوچولو

نوع مکان	بسامد	بسامد نسبی	بسامد نسبی درصد	بسامد نسبی درصد	بسامد نسبی درصد	بسامد نسبی درصد	بسامد نسبی درصد	بسامد نسبی درصد	بسامد نسبی درصد	بسامد نسبی درصد	بسامد نسبی درصد	بسامد نسبی درصد
پیوستاری	۵۰	۳۲	۶	۶۴	۳۴	۷۷	۲۲	۶۷	۲۴	۹	-	-

مکان در روایت ماهی سیاه کوچولو اهمیت زیادی دارد و اساس داستان با طرح ترک مکان خودی و حرکت بسمت مقصدی هرچند نامعلوم شروع میشود. بیشترین مکان به کاررفته در این روایت از نوع مقصد، عینی، مستقیم و پیوستاری است. مکان استعلایی که استمرار احساس مکان در تخیل و اندیشه کنشگر است، هم بسامد زیادی دارد و با بیست‌وچهار تکرار، نشان‌دهنده میل و خواسته و تصور کنشگر از بودن در مکانی دیگر است. همچنین اشاره به

مبدأ مکان در مقایسه با مقصد، کمتر از یک‌پنجم است و دلیل آن متمرکز بودن کنشگر بر رفتن به جایی است و مکانی که در آن قرار دارد از اهمیت بسیار کمی برخوردار است.

نوع و بسامد زیر انواع مکانهای به‌کاررفته در روایت کچل مم‌سیاه

مکان	تعداد	تکرار	مبدأ	پایان	تکرار	مستقیم	تلویحی	پیوستاری	استعلائی	استعاری	کاربنجی	شبکه‌ای
	۳۹	۱۱۰	۸	۱۴۹	۵	۸۹	۶۵	۱۰۷	۳۴	۳	۱۰	-

چگونگی کاربرد مکان در این روایت بسیار متنوع و جالب توجه است. در این روایت با یازده نوع متفاوت مکان روبرو هستیم. بیشترین مکان به‌کاررفته در این روایت از نوع مقصد، عینی، مستقیم و پیوستاری است. البته در مقایسه با اشاره مستقیم به مکان که هشتادونه بار تکرار شده، اشاره تلویحی هم با شصت‌وپنج مرتبه استفاده، کاربرد زیادی دارد.

نوع و بسامد انواع مکانهای به‌کاررفته در روایت کوراوغلو

مکان	تعداد	تکرار	مبدأ	پایان	تکرار	مستقیم	تلویحی	پیوستاری	استعلائی	استعاری	کاربنجی	شبکه‌ای
	۳۹	۲۲	۷	۶۴	۱۸	۶۰	۲۲	۵۲	۱۲	۱۵	۲	۱

در روایت کوراوغلو نزاع و ممارست با پنج تکرار بیشترین بسامد را دارند. در حالیکه هیچ موردی از کنکاش مشاهده نشد و از راهکارهای تدبیر و عدم مقاومت هم تنها یک مرتبه استفاده شده است. استفاده از مکان ثابت نسبت به مقصد و مبدأ بسامد بیشتری دارد و بسامد آن تقریباً یک و نیم برابر مقصد، و پنج برابر مبدأ است. مکانهای عینی حدود ۳/۵ برابر مکانهای انتزاعی و اشاره به مکان بصورت مستقیم تقریباً سه برابر اشاره آن بصورت تلویحی است. مکان پیوستاری با پنجاه‌ودو بار تکرار بسامد زیادی در این روایت دارد. هرچند تکرار دوازده مکان استعلائی و پانزده تکرار مکان استعاری هم قابل توجه است.

نوع و بسامد انواع مکانهای به‌کاررفته در روایت یک هلو هزار هلو

مکان	تعداد	تکرار	مبدأ	پایان	تکرار	مستقیم	تلویحی	پیوستاری	استعلائی	استعاری	کاربنجی	شبکه‌ای
	۴۷	۲۸	۱۳	۸۵	۲	۶۳	۲۹	۸۷	۱	۴	-	-

در روایت یک هلو هزار هلو با تعدد مکان چندانی مواجه نیستیم. عمده حوادث در محیط باغ اتفاق میفتد و توصیفات از ده و محیط اطراف باغ هم وجود دارد. تقریباً تمام مکانهای به‌کاررفته در این روایت از نوع عینی هستند. به میزان دوبرابر اشاره مستقیم نسبت به اشاره تلویحی وجود دارد و همچنین تقریباً همه انواع مکانها از

نوع پیوستاری هستند. از میان سه گانه مبدأ، مقصد و مکان ثابت، مقصد حدود دوبرابر مبدأ و مکان ثابت، حدود دوبرابر مقصد کاربرد داشته‌اند. در مجموع اکثر مکانهای این روایت از نوع ثابت، عینی، مستقیم و پیوستاری است.

نوع و بسامد انواع مکانهای به‌کاررفته در روایت پسرک لیوفروش

مکان	نوع	مقصد	مبدأ	مکان	مستقیم	پیوستاری	عینی	استعاره‌ای	استقاری	کاربردی	شبکه‌ای
تعداد	۳۱	۲۷	۶	۴۷	۴	۳۶	۱۹	۳۹	۲	-	-

در روایت پسرک لیوفروش که در محیط روستا اتفاق می‌افتد، با مکانهای متنوعی از جمله مدرسه، کلاس درس، کارخانه قالیبافی و خانه کنشگران روایت روبرو هستیم. همان‌گویی تکرار مکان روایت یک هلو هزار هلو در این روایت هم تکرار شده است و اکثر مکانهای این روایت از نوع ثابت، عینی، مستقیم و پیوستاری هستند؛ با این تفاوت که مقصد تفاوت معناداری با مکان ثابت ندارد و هر دو حدود سی مرتبه تکرار شده‌اند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله با مشارکت سرکار خانم دکتر شهلا یعقوبی نویسنده مسئول و آقای دکتر علی کریمی و آقای دکتر حمیدرضا شعیری و آقای دکتر محمدرضا احمدخانی انجام شده که همگی در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر بوده‌است.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

REFERENCES

- Ahmadi Maleki, Rahman. (1997). "Heroes of Kuroglu Epic". *Fiction*. No. 42. pp. 64-73.
- AlalHesabi, Mehran; Rezazadeh, Razieh and Cherbgoou, Nasibeh. (2016). "Presentation of the conceptual model of the meaning of place and its continuity indicators (interpretive phenomenological analysis of people's life experiences)". *Scientific-Research Journal of Nazar Institute of Art, Architecture and Urban Planning*, vol. 52, pp. 17-26.
- Athari Nik Azam, Marzieh. (2013). "Analysis of time and time indicators in proverbs with a semiotics approach, case study: Persian language". *Language essays*. No. 19. pp. 1- 25.

- Fakhri, Azadeh. (2015). "Comparative study of the Kuroghli epic in Azerbaijani, Turkish and Turkmen peoples". *Iranian People's Culture Quarterly*. No. 47. pp. 27-49.
- Karbasi, Zahra; Hamidreza Shaeiri and Letafati, Roya. (2016). "Analyzing the semantic sign of the realization of good and evil in literary discourse: a case study of the folk tale "Goodness is punished by evil". *Popular culture and literature*, 5 (13), pp.39-36.
- Khazal, Leila; Tahmasabi, Farhad and Zirak, Sare (2021). "Sign - semantics of place in the story of Zadan Zal". *A scientific quarterly of interpretation and analysis of Persian language and literature texts* (Dehkhoda). No. 48. pp. 145-169.
- Moein, Morteza Babak. (2014). *Meaning as a lived experience: passing from classical semiotics to semiotics with a phenomenological perspective*, Tehran: Sokhan.
- Neghabi, Effat; Pourasiab Dizj, Tahereh. (2017). "A schematic study of Azerbaijan folk legends". *Bi-monthly magazine of popular culture and literature*, 6 (22), pp.53-89.
- Rasmi, Sakineh; Rasmi, Ateke. (2015). "Comparative study of the mythical role of "water" in the story of Kuroglu with Ferdowsi's Shahnameh and its oral narratives". *Ancient Persian literature*. No. 20. pp. 51-77.
- Rezaei, Reza; Golfam, Arslan and Aghagolzadeh, Ferdous. (2016). "Semiotic-semantic analysis of transcendence of place in the short story (The Grand Lady of My Soul)". *Biannual journal of narratology*. No. 1. pp. 85-104.
- Shaeiri, Hamidreza. (2006). *Analyzing the semiotics of the discourse*. Tehran: Samt.
- Shaeiri, Hamidreza. (2008). *Basics of new semantics*. Tehran: Samt.
- Shaeiri, Hamidreza. (2013). *Visual Semiotic-semantic*. Tehran: Sokhan.
- Shayiri, Hamidreza; Vafai, Taraneh. (2008). *A way to fluid semiotics: with a case study of Nima's "Phoenix"*. Tehran: Scientific and Cultural.

فهرست منابع فارسی

- احمدی ملکی، رحمان (۱۳۷۶). «قهرمانان حماسه کوراوغلو». ادبیات داستانی. ش ۴۲. صص ۶۴-۷۳.
- اطهاری نیک‌عزم، مرضیه (۱۳۹۳). «تحلیل زمان و شاخصهای زمانی در ضرب‌المثلها با رویکرد نشانه‌معناشناسی، مورد مطالعه: زبان فارسی». جستارهای زبانی. ش ۱۹. صص ۱-۲۵.
- خزل، لیلا؛ طهماسبی، فرهاد و زیرک، ساره (۱۴۰۰). «نشانه - معناشناسی مکان در داستان زادن زال». فصلنامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا). ش ۴۸. صص ۱۴۵-۱۶۹.
- رسمی، سکینه و رسمی، عاتکه (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی نقش اسطوره‌ای آب در داستان کوراوغلو با شاهنامه فردوسی و روایت‌های شفاهی آن». کهن‌نامه ادب پارسی. ش ۲۰. صص ۵۱-۷۷.
- رضایی، رضا؛ گلفام، ارسلان و آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۶). «تحلیل نشانه-معناشناسی استعلائی مکان در داستان کوتاه (بزرگ بانوی روح من)». دوفصلنامه روایت‌شناسی. ش ۱. صص ۸۵-۱۰۴.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۱). مبانی معناشناسی نوین. تهران: سمت.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۵). تجزیه و تحلیل نشانه-معناشناسی گفتمان. تهران: سمت.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۲). نشانه-معناشناسی دبداری. تهران: سخن.
- شعیری، حمیدرضا و وفایی، ترانه (۱۳۸۸). راهی به نشانه-معناشناسی سیال: با بررسی موردی ققنوس نیما. تهران: علمی و فرهنگی.

- فخری، آزاده (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی حماسه کوراوغلی در اقوام آذربایجان، ترکیه و ترکمن». فصلنامه فرهنگ مردم ایران. شماره ۴۷. صص ۲۷-۴۹.
- کرباسی، زهرا؛ شعیری، حمیدرضا و لطافتی، رؤیا (۱۳۹۶). «تحلیل نشانه‌معناشناختی تحقق سره و ناسره در گفت‌وگو ادبی: مطالعه موردی داستان عامیانه سزای نیکی بدی است» فرهنگ و ادبیات عامه، (۱۶) ۵، صص ۳۹-۶۳.
- معین، مرتضی بابک (۱۳۹۴). معنا بمثابة تجربه زیسته: گذر از نشانه‌شناسی کلاسیک به نشانه‌شناسی با دورنمای پدیدارشناختی، تهران: سخن.
- نقابی، عفت و پورآسیاب دیزج، طاهره (۱۳۹۷). «بررسی طرح‌شناختی افسانه‌های عامیانه آذربایجان». دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه، (۲۲) ۶، صص ۵۳-۸۹.
- علی‌الحسابی، مهران؛ رضازاده، راضیه و چربگو، نصیبه (۱۳۹۶). «ارائه مدل مفهومی معنای مکان شاخصهای تداوم آن (تحلیل پدیدارشناسانه تفسیری تجربیات زیست G افراد)». مجله علمی - پژوهشی پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر، ش ۵۲. صص ۱۷-۲۶.

معرفی نویسندگان

- شهلا یعقوبی:** مربی گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول: Email: dryaghoobi@pnu.ac.ir)
- علی کریمی:** دانشیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
(Email: alikaarimif@pnu.ac.ir)
- حمیدرضا شعیری:** دانشیار گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
(Email: Shairi@modares.ac.ir)
- محمد رضا احمدخانی:** دانشیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
(Email: ahmadkhani@pnu.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

- Shahla Yaqoubi:** Instructor, Department of Linguistics and Foreign Languages, Payam Noor University, Tehran, Iran.
(Email: dryaghoobi@pnu.ac.ir : Responsible author)
- Ali Karimi:** Associate Professor, Department of Linguistics and Foreign Languages, Payam Noor University, Tehran, Iran.
(Email: alikaarimif@pnu.ac.ir)
- Hamidreza Shairi:** Associate Professor, Department of French Language and Literature, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
(Email: Shairi@modares.ac.ir)
- Mohammadreza Ahmadkhani:** Associate Professor of Department of Linguistics and Foreign Languages, Payam Noor University, Tehran, Iran.
(Email: ahmadkhani@pnu.ac.ir)